

مطالعات فقه و حقوق اسلامی
سال ۱۲ - شماره ۲۲ - بهار و تابستان ۹۹
صفحات ۲۰۷ - ۲۳۲

بازخوانی مبانی فقهی حرمت و ممنوعیت تولید و استفاده از سلاح های هسته ای

حمیدرضا حنان / سید یوسف علوی و ثوقی -

تاریخ دریافت: ۱۳۹۷/۱۲/۰۷ تاریخ پذیرش: ۱۳۹۸/۰۳/۲۶

چکیده

سلاح های هسته ای که پر رنگ ترین مصداق تسلیحات کشتار جمعی به حساب می آید خطری است که امروزه مهم ترین عامل تهدید بشریت قلمداد می شود؛ در زمینه ساخت و تکنولوژی تولید سلاح های مذکور، دو رویکرد متفاوت فقهی وجود دارد؛ برخی از فقیهان با استناد به دلایل نقلی متعدّد مانند آیه شریفه «و أعدّوا لهم ما استطعتم من قوه» بر این باورند که به منظور ایجاد کمر بند دفاعی در برابر دشمن، در اختیار داشتن امکان مزبور جایز و برخی تا حکم به وجوب پیش رفته اند ولی در مقابل این دیدگاه، عده دیگری بر عدم جواز ساخت و در اختیار داشتن سلاح های هسته ای تأکید دارند؛ البته حرمت بکارگیری این سلاح ها مورد اتفاق میان ایشان می باشد. پژوهش حاضر با استفاده از روش توصیفی تحلیلی و با تکیه بر داده های فضای سایبری تلاش می نماید تا با به چالش کشیدن دلایل دیدگاه جواز تولید - که بعضاً نظیر دلالت بدوی آیه مورد اشاره بر جواز مطلق هر نوع ایجاد آمادگی، خود را قوی و متقن می نمایانند، عدم جواز را ثابت کرده و ضمن اثبات عدم جواز، شاهی بر موضع صلح طلبانه اسلام باشد؛ موضعی که امروزه مورد آماج حملات و تهمت ها قرار گرفته است.

کلیدواژه: سلاح های هسته ای، حرمت استفاده، حرمت تولید، تسلیحات کشتار جمعی

— دانشجوی دکتری فقه و مبانی حقوق اسلامی دانشگاه قم، قم، ایران (نویسنده مسئول)

hamidhanan320@gmail.com

— استادیار فقه و مبانی حقوق اسلامی، دانشگاه قم، قم، ایران

۱- مقدمه و طرح مسأله

علیرغم ادعا های موجود در اعلامیه حقوق بشر مبنی بر حق حیات برای همه انسان ها و حفظ کرامت انسان و با وجود آثار ویرانگر و وحشتناک بکارگیری سلاح های هسته ای و شیمیایی، که به انهدام حیات و کشتار جمعی منجر می شود، مسابقه در ساخت انواع چنین تسلیحاتی و افزایش روزافزون تولید این سلاح ها هر انسان آزاد منشی را دچار حیرت می کند. این که چه اهدافی کشور های توسعه یافته را به جای خلع سلاح هسته ای و بیولوژیکی و غیر آن، به مسابقه تسلیحاتی سوق می دهد و آیا دکترین مزبور در ساخت و تکثیر سلاح هسته ای زمانی تغییر جهت خواهد داد و این توازن وحشت آفرین قدرت، زمانی دامنگیر کشور های بزرگ نخواهد شد؟ و ... سؤالاتی هستند که همه روزه در پژوهش های مختلف به ویژه در رشته های گوناگون علوم سیاسی از آنها بحث و تبادل نظر می گردد. لکن آن چه در این پژوهش مورد هدف است این که مسأله تکثیر و تولید و یا استفاده از سلاح های کشتار جمعی و وحشتناکی مانند سلاح هسته ای، بر اساس مبانی دینی فقه اسلامی، چه حکمی دارد؟ بر اساس موازین فقهی و شرعی، ساخت و بکارگیری سلاح های مزبور جایز است یا خیر؟ آیا تفکیک حکمی از جهت تولید و استفاده، به این ترتیب که تولید مجاز، ولی استفاده حرام باشد امکان پذیر است؟ اینها اهم سؤالاتی می باشد که تلاش می شود در قالب تحقیق پیش رو مورد پاسخگویی قرار گرفته و جوابی مناسب به آنها داده شود.

۲- سلاح هسته ای، تاریخچه و قدرت تخریب

قبل از ورود به بحث از حکم سلاح های هسته ای، ابتدا باید تلاش نمود تا به صورت مختصر به معرفی آن پرداخت؛ چراکه شناخت درست موضوع در بسیاری از مواقع، کار تعیین صحیح حکم را هموار کرده و باعث می شود تا از بروز خطا ها و

اشتباهاتی که ناشی از عدم شناخت موضوع است، جلوگیری به عمل آید؛ از اینرو در گام نخست تلاش می شود تا معرفی دقیقی از این نوع سلاح ها صورت گیرد. بمب اتمی، سلاحی است که نیروی آن از انرژی اتمی و بر اثر شکافت هسته (فیسون) اتم های پلوتونیوم یا اورانیوم ایجاد می شود. در فرآیند شکافت هسته ای، اتم های ناپایدار شکافته و به اتم های سبک تر تبدیل می شوند. سلاح مزبور دارای انواعی است و تقسیم بندی متفاوتی در مورد آن صورت گرفته، مانند تقسیم به دو دسته تاکتیکی و استراتژیکی که تفاوت این دو در حجم و برد آنهاست (حکمت نیا، ۱۳۹۲: ۵۵).

مطالعات اولیه برای اختراع بمب اتم به سال های قبل از ۱۹۳۰ بر می گردد؛ مطالعات و تحقیقاتی که دانشمندانی نظیر آلبرت انیشتین و جولیوس رابرت اوپنهایمر انجام داده اند (شولزینگر، ۱۳۷۹: ۳۵۰)؛ نخستین بمب از این نوع، در سال ۱۹۴۵م در ایالات نیو مکزیکو در ایالات متحده آمریکا آزمایش شد. این بمب، انفجاری با قدرت ۱۹ کیلو تن ایجاد کرد (یک کیلو تن برابر است با انرژی اتمی آزاد شده ۱۹۰ تن ماده منفجره تی. ان. تی) انفجار بمب اتمی موج بسیار نیرومند پرتو های شدید نورانی، تشعشعات نفوذ کننده اشعه گاما و نوترون ها و پخش شدن مواد رادیو اکتیو را همراه دارد. انفجار بمب اتمی چندین هزار میلیارد کالری حرارت را در چند میلیون ثانیه ایجاد می کند. این دمای چند میلیون درجه ای با فشار بسیار زیاد تا فاصله ۱۲۰۰ متری از مرکز انفجار به افراد بدون پوشش حفاظتی صدمه می زند و سبب مرگ و بیماری انسان و جانوران می شود. همچنین زمین، هوا، آب و همه چیز را به مواد رادیو اکتیو آلوده می کند. بمب های اتمی شامل نیرو های قوی و وضعیفی اند که این نیروها هسته یک اتم را به ویژه اتم هایی که هسته های ناپایداری دارند، در جای خود نگه می دارند. اساساً دو شیوه بنیادی برای آزاد سازی انرژی از یک اتم وجود دارد: ۱- شکافت هسته ای: می توان هسته یک اتم را با یک نوترون به دو جزء کوچک تر تقسیم کرد. این همان شیوه ای است که در مورد ایزوتوپ های اورانیوم (یعنی

بازخوانی مبانی فقهی حرمت و ممنوعیت تولید و استفاده از سلاح های هسته ای — ۲۱۰

اورانیوم ۲۳۵ و اورانیوم ۲۳۳) به کار می رود (شبکه فیزیک هوپا
(<http://www.hupaa.com/>).

در ششم اوت، بمبی اورانیومی بر شهر هیروشیما افکنده شد و سه روز بعد، یعنی در نهم اوت، بمب پلوتونیومی موسوم به مرد چاق برای حمله به شهر ناکازاکی مورد استفاده قرار گرفت. در نتیجه این حملات هسته ای دویست هزار نفر درجا جان باختند و بیش از یکصد هزار نفر به خاطر اثرات ثانوی تشعشعات اتمی جان خود را از دست دادند؛ گزارشات حاکی از آن است که امروزه سالی بیش از هزار نفر در اثر تأثیرات بجا مانده از حملات هسته ای دچار مرگ و میر می شوند (لطفیان، ۱۳۷۶: ۱۸۳).

سلاح هسته ای به عنوان آخرین دستاورد تکنولوژیک بشر در حوزه تسلیحات، مخرب ترین ابزار نظامی ساخته بشر است. شدت اثرات ناشی از کاربرد آن حتی قابل قیاس با سایر سلاح های کشتار جمعی نیست. آثار غیر قابل کنترل و فوق العاده مهیب این سلاح ها دیوان بین المللی دادگستری را در رأی مشورتی ۱۹۹۶ در خصوص ممنوعیت کاربرد سلاح های هسته ای به این نتیجه رهنمون ساخت که اثرات کاربرد سلاح های هسته ای در زمان و مکان ننگنچیده و کاربرد آنها می تواند حیات انسانی، تمدن بشری و کل زیست بوم (اکوسیستم) را به نابودی بکشاند. تجربه تاریخی نیز خود گویای این واقعیت است. تلفات بسیار بالای ناشی از کاربرد سلاح های هسته ای در هیروشیما و ناکازاکی و تولد نوزاد های ناقص الخلقه در طول این شصت و چند سال، حاکی از عمق فاجعه است (سلیمی ترکمانی، ۱۳۹۱: ۶۲).

گزارش زیر باعث می شود تا با قدرت تخریب این نوع سلاح ها آشنایی بیشتری حاصل شود و این آشنایی چنان که در مباحث بعد از نظر خواهد گذشت کمک می کند تا در خصوص نسبت دادن جواز ساخت چنین تسلیحاتی به شریعت مقدس اسلام، تأمل جدی صورت گیرد؛ گزارش مورد نظر به قرار زیر است:

نخستین آزمایش یک وسیله گرما - هسته ای با اسم رمز مایک در نوامبر سال ۱۹۵۲ در جزیره کوچکی به نام الوگالب در مجاورت انی و تاک در جزایر مارشال انجام شد. وزن تجهیزات به کار رفته در این انفجار شامل دستگاه های تبرید به بیش از ۶۵ تن می رسید. از آنجایی که در این سیستم مستقیماً از ایزوتوپ های دوتریوم و تریتیوم مایع استفاده می شد، به آن لقب بمب خیس (wet bomb) داده بودند. پیش بینی می شد که قدرت این انفجار، معادل یک یا دو مگاتن تی ان تی باشد، اما برخلاف انتظار شدت انفجار معادل ۱۰۰۴ مگاتن تی ان تی بود. نتایج انفجار بسیار هراسناک بود. قطر گوی آتشین حاصل از این انفجار به ۵ کیلومتر رسید. جزیره الوگالب تقریباً تبخیر شد و حفره ای به عمق ۸۰۰ متر و شعاع دهانه ۳ کیلومتر بر جای ماند. این آزمایش هسته ای با تولید ۱۵ مگاتن نیرو (هر مگاتن megaton که با MT نمایش داده می شود، شدت انفجاری معادل یک میلیون تن تی.ان.تی می باشد) بزرگ ترین انفجار صورت گرفته توسط آمریکا می باشد، انفجاری که هزار برابر قوی تر از بمب اورانیم بود که هیروشیما را با خاک یکسان کرد. بازدهی پیش بینی نشده برای این آزمایش انجام شده در اقیانوس آرام، عواقب ناخواسته هول انگیزی را به دنبال خود پدید آورد. مارشال روزن بلوت فیزیکدان، در کتاب «خورشید تیره؛ ساخت بمب هیدروژنی» نوشته ریچارد رودس، از آن روز این گونه یاد می کند: «انفجار بسیار خیره کننده بود. قارچ هسته ای ناشی از انفجار به نظر، مثل یک مغز بیمار می نمود.» ابر متلاطم رادیواکتیوی آن سرانجام به ارتفاع ۱۳۰ هزار پا و پهنای ۶۶ مایل رسید. شدت انفجار به حدی بود که بدنه و محافظ موتور یک بمب افکن غول پیکر شناسایی از نوع RB-36D که در ارتفاع ۴۰ هزار پایی و در فاصله ۱۵ مایلی از محل انفجار هسته ای در حال پرواز بود، آسیب دید. ۲۰ مایل دورتر، غبار رادیواکتیوی ناشی از انفجار، دسته ای از سربازان جوخه آتش را در سنگر بتونی خود به دام انداخت و دست آخر این که غبار انفجار، ۸۲ مایل دورتر، یک قایق ماهی گیری

بازخوانی مبانی فقهی حرمت و ممنوعیت تولید و استفاده از سلاح های هسته ای — ۲۱۲

ژاپنی را نیز در بر گرفت که منجر به بستری شدن خدمه و مرگ یکی از آنها شد
(newcoy.persianblog.ir).

با توجه به این که در طول بیش از هفتاد سال از یک سو، سلاح های هسته ای از لحاظ کمی و کیفی توسعه یافته و از سوی دیگر، عدم امکان کنترل یا دفاع مؤثر یکی از ویژگی های ذاتی آنها شده است، انتظار می رفت به تدریج با آشکار شدن هر چه بیشتر چهره خطرناک این سلاح و خطرات ناشی از کاربرد احتمالی آنها، جامعه بین المللی در قبال کاربرد این گونه سلاح ها رویکرد قاطعانه گرفته و کاربرد آن را جرم انگاری کند، ولی تا به امروز به دلیل برخی ملاحظات، این امر محقق نشده است؛ چراکه بررسی رویکرد جامعه بین المللی در قبال کاربرد سلاح های هسته ای نشان می دهد که تا به امروز در این رویکرد هیچگونه ممنوعیتی عام و مطلق، اعم از عرفی یا قراردادی، در خصوص کاربرد سلاح های هسته ای وجود ندارد (سلیمی ترکمانی، ۱۳۹۱: ۶۳).

با توضیحاتی که در راستای موضوع شناسی از نظر گذشت و با شناخت اجمالی سلاح های هسته ای باید دید بر اساس مبانی فقهی، در مورد جواز ساخت سلاح های چه رویکردی را می توان پذیرفت؛ رویکرد جواز یا عدم جواز؟ آیا با توجه به قدرت تخریب بالای سلاح های مزبور، آیا جواز ساخت قابل پذیرش است یا این که دیدگاه صحیح و قابل پذیرش، عدم جواز است؟

۳- طرح اقوال و دیدگاه های فقهی

فقیهان امامیه در مورد جواز یا حرمت ساخت سلاح های هسته ای دارای دو دیدگاه متفاوتند؛ برخی از ایشان قائل به جواز بوده و برخی دیگر بر عدم جواز ساخت پا می - فشارند.

۱-۳- دیدگاه جواز

چنان که از نقل اقوال برخی فقیهان بر می آید، برخی از صاحب نظران بر جواز تولید سلاح های هسته ای حکم نموده اند (احسانی فر، ۱۳۹۴: ۱۹۰). از قول یکی از مراجع تقلید نقل گردیده که کلیه مراجع تقلید، تولید سلاح های مزبور را حرام می دانند (همان: ۲۰۵)؛ به نظر می رسد آن چه مورد اتفاق باشد این است که استفاده از این نوع سلاح ها طبق دیدگاه همه فقیهان و مراجع تقلید، حرام است و اگر عده ای حکم به جواز ساخت و تولید آن نموده اند، مقصود ساختن به هدف ارباب و ترساندن است، نه به قصد استفاده و بکارگیری.

۲-۳- دیدگاه عدم جواز

دیدگاه صاحب نظرانی که حکم به جواز تولید این نوع سلاح ها به قصد تهدید و ترساندن نموده اند، از سوی برخی دیگر از فقیهان و صاحب نظران مورد انتقاد قرار گرفته که از نظر ایشان، دیدگاه صحیح عدم جواز است؛ با انتقادی مبنی بر این که وقتی دشمنان اسلام از موضع عدم جواز استفاده، کسب اطلاع و آگاهی نموده اند، از ساختن و داشتن چنین تسلیحاتی، واهمه پیدا نکرده و تهدیدی برای ایشان قلمداد نمی شود (مدرسی، ۱۴۱۹: ۱۸۲/۹)؛ به بیان دیگر، تولید به هدف ترساندن، با وجهی که دشمنان اسلام قطع به عدم جواز استفاده بر اساس مبانی دینی و اخلاقی دارند، لغو و بی اثر است و به طور مسلم، شارع مقدس اسلام کار لغو و بی فایده را تجویز نمی کند. رهبر معظم انقلاب اسلامی به صورت صریح و روشن، تولید سلاح های هسته ای را حرام دانسته و اظهار داشتند: «تولید سلاح های کشتار جمعی و یا تهیه آن به هر عنوانی اعم از بازدارندگی یا مقابله به مثل شرعاً حرام است» (لوح فشرده پرسمان، اداره مشاوره نهاد رهبری، کد: ۱۰۰۱۲۷۸۴/۱).

البته در این زمینه باید توجه داشت که دیدگاه مقام معظم رهبری، حکمی حکومتی - که منوط به شرایط و با در نظر گرفتن اوضاع خاصی است - نمی باشد، بلکه حکمی اولی و کلی بوده و مختص زمانی خاص نمی باشد، بلکه برای همیشه تولید سلاح های مزبور بنا بر نظر ایشان حرام است.

چنان که ایشان در اظهار نظری دیگر ضمن تجویز استفاده صلح آمیز از دانش و فناوری هسته ای، حکم حرمت تولید و استفاده از سلاح های اینگونه را مورد تأکید قرار داده اند: «جمهوری اسلامی و ملت ایران بر اساس منطق اسلام به دنبال بمب اتمی نبوده و نیستند، اما استفاده از دانش و فناوری هسته ای را حق مسلم خود می دانند و دانشمندان پرتوان ایران همراه با دولت و ملت به عنوان وظیفه ای ملی این هدف را دنبال خواهند کرد» (روزنامه کیهان، ۱۳۸۳/۴/۱)؛ ایشان حکم حرمت را به تمام سلاح های کشتار جمعی توسعه داده و در مورد همه انواع آنها بر دیدگاه اسلام مبنی بر ممنوعیت تولید و استفاده، تأکید ورزیدند: «... افزون بر سلاح هسته ای، دیگر انواع سلاح های کشتار جمعی، نظیر سلاح شیمیایی و سلاح میکروبی نیز تهدیدی جدی علیه بشریت تلقی می شوند. ملت ایران که خود قربانی کاربرد سلاح شیمیایی است، بیش از دیگر ملت ها خطر تولید و انباشت اینگونه سلاح ها را حس می کند و آماده است همه امکانات خود را در مسیر مقابله با آن قرار دهد» (لوح فشرده پرسیمان، اداره مشاوره نهاد رهبری، کد: ۱۰۰۱۲۷۸۴۳/۱).

۴- دلایل قائلین به جواز تولید و استفاده

اولین دلیل عبارت است از آیات قرآن که ذیلاً به برخی از آنها اشاره می گردد:

۴-۱- دلایل قرآنی

آیات متعددی از قرآن کریم مورد استناد قرار گرفته که برخی از مهم ترین آنها به

قرار زیر است:

آیه اول: اولین آیه عبارت است از: «وَأَقْتُلُوهُمْ حَيْثُ تَقْتُلُوهُمْ وَآخِرُ جُوهْمُ مِنْ حَيْثُ أَخْرَجُوكُمْ وَ الْفِتْنَةُ أَشَدُّ مِنَ الْقَتْلِ وَ لَا تُقَاتِلُوهُمْ عِنْدَ الْمَسْجِدِ الْحَرَامِ حَتَّى يُقَاتِلُوكُمْ فِيهِ فَإِنْ قَاتَلُواكُمْ فَاقْتُلُوهُمْ كَذَلِكَ جَزَاءُ الْكَافِرِينَ: و ایشان را هر جا که دست یافتید به قتل برسانید و از دیارشان مگه بیرون کنید همان طور که شما را از مگه بیرون

کردند و فتنه آنان از این کشتار شما شدید تر بود ولی در خود شهر مکه که خانه امن است با ایشان نجنگید، مگر این که ایشان در آنجا با شما جنگ بیاغازند که اگر خود آنان حرمت مسجد الحرام را رعایت ننموده، جنگ را با شما آغاز کردند شما هم بجنگید که سزای کافران همین است» (بقره: ۱۹۲).

مکه پایگاه توحید و شهر رسول خدا، مرکز وحی و اسلام بود و به مسلمانان تعلق داشت. مشرکان نه تنها حق بیرون راندن مسلمانان را از این شهر نداشتند، بلکه خود باید از سرزمین های مقدّس و حرم الهی اخراج می شدند. از اینرو، مسلمانان در این آیه موظف شده اند که برای باز پس گیری سرزمین اسلامی خود با فتنه گران جهاد کنند و آنان را از مکه بیرون برانند (ورعی، ۱۳۸۲: ۸۷)، تا جایی که در سال های بعد که مکه به دست مسلمانان فتح شد، دستور داده شد که هیچ مشرکی حق ورود به این شهر را ندارد. در این آیه مبارکه، فتنه انگیزی مشرکان از جنگ در ماه های حرام (محرم، رجب، ذی القعدة و ذی الحجه) با اهمّیت تر شمرده شده و خداوند متعال، نگرانی پیامبر را از جهت زمان (مانند این که حتی اگر جنگ در ماه های حرام رخ دهد) و نیز از جهت مکان (مانند این که حتی اگر جنگ در محدوده حرم مکه و مسجد الحرام واقع شود) در صورت حمله مشرکان، برطرف ساخته است (حلی، ۱۴۱۰: ۲/۲۱۵).

استدلال به آیه شریفه فوق به این ترتیب است که در مقام دفاع، مقابله به مثل، به صورت مطلق تجویز شده و این دستور در کنار اطلاق زمانی و مکانی که مورد تصریح قرار گرفته، از حیث ادوات و ابزار جنگی نیز دارای اطلاق است و اطلاق واژه «حیث» به معنای «هر طور»، دلالت بر این امر دارد که به هر شکل و وسیله ای که دشمنان با مسلمانان به جنگ پرداختند، مسلمانان مجازند که با آنها مقابله کنند و هیچ محدودیتی در انجام دفاع و مقابله وجود ندارد.

آیه دوم: دومین آیه، آیه ۱۲۳ سوره توبه است: «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا قَاتِلُوا الَّذِينَ يَلُونَكُمْ مِنَ الْكُفَّارِ وَلْيَجِدُوا فِيكُمْ غِلْظَةً وَاعْلَمُوا أَنَّ اللَّهَ مَعَ الْمُتَّقِينَ: ای کسانی که ایمان

آورده اید، با آن کسانی که از کفار مجاور شما بترسند کارزار کنید، و باید در شما خشونت بیابند، و بدانید که خدا یار پرهیزکاران است».

استدلال به آیه مذکور بدین ترتیب است که در آیه فوق، عبارت «وَلْيَجِدُوا فِيكُمْ غَلَظَةً» آمده است؛ یعنی باید دشمنان اسلام درشتی، قدرت و قوت حس کنند و این درشتی و قدرت به عنوان امری که لازمه مقاتله است، ذکر شده است؛ بنابراین آن چه از عبارت فوق می توان دریافت این است که اصولاً رفتار مسلمانان در مقام دفاع و ایستادگی باید به گونه ای باشد که دشمنان هوس توطئه و خیال نفوذ علیه مسلمانان را از سر بیرون کرده، و از اینرو اگر ملاحظه می شود که قرآن کریم مسلمانان را به جهاد فرا می خواند، دعوت به آمادگی برای مقابله نظامی و دفاعی تنها به همین منظور و هدف است؛ و لذا آیه شریفه فوق، می تواند مجوزی برای داشتن سلاح هسته ای به منظور عاملی بازدارنده در برابر کفار و جلوگیری از تهدید و حمله نظامی آنان باشد و حتی می توان از اطلاق آن استفاده کرد که بهره برداری از سلاح های مزبور در جایی که هدف، دفاع و مقابله است، جایز می باشد؛ چنان که فقیهان دوره اول چنین حکم کرده اند که غرق نمودن خانه های مسکونی، مزارع و باغات دشمنان و نیز قطع درختان آنها جایز نیست، مگر این که ضرورت و حاجت شدیدی چنین رفتاری را اقتضا نماید (حلی، ۱۴۱۱: ۱۹/۲؛ شیخ طوسی، ۱۳۹۰: ۲۹۹/۲) و بر این اساس، استفاده از سلاح شیمیایی (القاء سم) نیز در حالت ضرورت تجویز شده است (نجفی، ۱۳۹۲: ۶۰/۲۲) و این تجویز در کنار تجویز سلاح های کشتار جمعی مانند استفاده از منجنیق، باروت و وسایل آتش زا و مانند آن مطرح گشته است (نجفی، ۱۳۹۲: ۵۸/۲۲؛ طباطبائی، ۱۴۱۲: ۵۰۲/۷).

آیه سوم: خداوند متعال در آیه دیگر می فرماید: «وَأَعِدُوا لَهُمْ مَا اسْتَطَعْتُمْ مِنْ قُوَّةٍ وَمِنْ رِبَاطِ الْخَيْلِ تُرْهَبُونَ بِهِ عَدُوَّ اللَّهِ وَعَدُوَّكُمْ وَآخَرِينَ مِنْ دُونِهِمْ لَا تَعْلَمُونَهُمُ اللَّهُ يَعْلَمُهُمْ وَمَا تُنْفِقُوا مِنْ شَيْءٍ فِي سَبِيلِ اللَّهِ يُوَفَّ إِلَيْكُمْ: شما مؤمنان برای مقابله با

کافرانی که پیرامون شما می‌اندازند آن چه در توان دارید از نیروی رزمی و اسبان بسته (آماده نبرد) فراهم آورید تا بدین وسیله کسانی را که دشمن خدا و دشمن شما هستند بترسانید و نیز باید برای مقابله با دشمنان دیگری که غیر از اینانند و شما از آنان بی‌خبرید و خدا به وجودشان آگاه است نیروی رزمی آماده کنید و بدانید که هر چیزی که در راه خدا هزینه کنید بی‌کم و کاست به شما بازگردانده خواهد شد و به شما ستمی نخواهد شد» (انفال: ۶۰).

از فرازهای مختلفی که در آیه فوق آمده است برای اثبات مدّعی مورد بحث می‌توان استفاده نمود؛ اولین فراز قابل استناد در این آیه شریفه عبارت از « مَا اسْتَطَعْتُمْ مِنْ قُوَّةٍ » است؛ این دلیل مهم‌ترین دلیل قرآنی بر جواز تولید سلاح هسته‌ای است؛ چراکه فراز فوق از این آیه به بهترین شکل، رساننده این پیام است که آمادگی و تجهیز نظامی با هر وسیله ممکن برای مسلمانان لازم می‌باشد و تنها محدودیت عبارت از توان و نیرو می‌باشد؛ تمام توان‌ها و نیروها باید صرف آمادگی نظامی شود تا این که دشمنان خدا از قدرت آنان در هراس قرار گیرند؛ معمولاً چنین دستوری به منظور آمادگی نظامی برای دفاع از هر گونه تجاوزی صادر شده و جنبه بازدارندگی دارد تا قدرت نظامی، مانع هر گونه تجاوزی گردد. طبق این آیه، مسلمانان موظف اند خود را به گونه‌ای آماده نگاه دارند که دشمنان، خیال تجاوز به ایشان را به خود راه ندهند.

واژه «قوه» در آیه فوق، دارای اطلاق بوده و شامل تمام انواع سلاح‌ها شده و حتی سلاح‌های جدید و مدرن را نیز در بر می‌گیرد (کاشانی، ۱۳۶۸: ۲۶۸)؛ قوت به معنای قدرت، مفهومی عام است که دارای مصادیق مختلف بوده و در هر دوره و زمان، مصداق خاصی برایش محقق می‌شود و وقتی مفهومی به لحاظ معنایی عام باشد، نباید مفهوم خاص را بدون قرینه مشخصه، بر مصداق خاصی حمل نمود؛ و از اینرو در هر زمانی هر آن چه موجب قدرت و توان شود، مصداق این واژه و در نهایت، حکم این آیه خواهد بود و بدین ترتیب، فراز فوق به گویا ترین شکل می‌فهماند که تولید و ساخت سلاح‌های هسته‌ای که بارزترین مصداق قوت و قدرت در روزگار کنونی

محسوب می شود، جایز و بلکه واجب است و استفاده و وجوب هم به خاطر هیئت امر است که ماده «اعداد» به معنای آمادگی، در آن ریخته شده و بدین ترتیب دلالت دارد بر این که ایجاد آمادگی و کسب قدرت و توان برای مقابله با دشمنان اسلام، امری لازم و واجب است.

فراز دیگر، «رباط الخیل» است که به معنای اسبان بسته می باشد و کنایه از اسبانی است که برای نبرد و پیکار آماده و مهیا هستند؛ این تعبیر هم که به روشن ترین نحوه و کامل ترین و رساترین شکل بر لزوم آمادگی دلالت دارد، خداوند متعال بر این امر تأکید ورزیده تا هیچگونه شک و تردیدی نسبت به لزوم کسب آمادگی نظامی به کامل ترین شکل، جهت مقابله و دفاع در برابر دشمنان به جا نماند.

آخرین فراز عبارت است از «تُرْهَبُونَ بِعَدُوِّ اللَّهِ وَ عَدُوِّكُمْ»؛ در این فراز نیز مشخص می شود که هدف از آمادگی نظامی این است که ترس و هراس در دل دشمن واقع شود؛ ترسی که آنها را از هر گونه رفتار تهاجمی باز دارد و جرأت حمله کردن را از آنها بگیرد.

امروزه از سلاح های هسته ای به عنوان مهم ترین عامل بازدارنده جنگ و تهاجم یاد می شود و تمام کشور هایی که به دنبال این نوع سلاح ها هستند، هدفشان این است که خود را در وضعیت دفاعی مناسبی قرار دهند و از این آیه شریفه استفاده می شود که قرار گرفتن در وضعیت دفاعی مناسب، مطلوب است و این وضعیت در دنیای امروز در بهترین حالتش وقتی است که کشور، توان برای ساختن این نوع سلاح را کسب کند و بدین ترتیب خود را در مناسب ترین حالت دفاعی قرار دهد، تا این غایت و هدف که همانا افتادن ترس و هراس در دل دشمنان است، تحقق پیدا کند.

آیه چهارم: چهارمین آیه مورد استناد این است: «لَنْ يَجْعَلَ اللَّهُ لِلْكَافِرِينَ عَلَى الْمُؤْمِنِينَ سَبِيلًا: خداوند تسلطی برای کافران بر مؤمنین قرار نداده است» (نساء: ۱۴۱).

در منابع فقهی، این آیه به معنای آن چه مقتضای مقام انشاء است، معنی شده است (شیخ طوسی، ۱۴۰۷: ۱۴۶/۵؛ حسینی مراغی، ۱۴۱۷: ۱۴۵/۲) و حتی در منابع اهل سنت نیز این معنی برای آیه فوق مطرح شده است (قرطبی، ۱۴۱۴: ۵۰۶/۱). معنای در مقام انشاء بودن این است که خداوند متعال، در مقام تشریح، سلطنتی برای کافران بر مؤمنان قرار نداده و اگر سلطه ای پیدا کنند، مشروعیتی برای آن نخواهد بود؛ گرچه هر انسانی به صورت تکوینی آزاد و مختار آفریده شده، ولی هیچ مسلمانی تشریحاً و بر اساس مقررات شرعی، حق پذیرش سلطه کافر را ندارد؛ پس به طور حتم، جامعه اسلامی باید به دنبال پیشرفت علمی و کسب موقعیت برتر نسبت به کافران باشند و دستیابی به سلاح هسته ای هم برای رسیدن به برتری بر کفار و دستیابی به موقعیتی که زمینه را برای تحقق نفی سلطه تشریحی مهیا می سازد، کاملاً توجیه پذیر است.

احکام و مقرراتی که از سوی شارع مقدس وضع می گردد برای این است که به مورد اجرا گذاشته شود و در خصوص این قانون که عبارت بود از فقدان سلطنت کافران بر مؤمنان، باید زمینه اجرایش توسط مسلمانان فراهم شود؛ دستیابی به سلاح - های مزبور، زمینه اجرا را برای این قانون الهی فراهم می کند و باعث می شود تا در مقام تکوین و واقع، جلوی سلطه کافران گرفته شده و بدین ترتیب، مقام تشریح بر مقام تکوین منطبق خواهد شد.

آیه پنجم: پنجمین آیه ای که قابلیت استناد برای اثبات مدعای بحث را دارد عبارت است از: «وَلِلَّهِ الْعِزَّةُ وَلِرَسُولِهِ وَلِلْمُؤْمِنِينَ؛ و برای خداست عزت و برای رسول خدا و برای مؤمنان» (منافقون: ۸).

طبق این آیه شریفه، دین مقدس اسلام هیچگونه برتری و سروری را برای کافران و کسانی که راه شرک و الحاد را برگزیدند، قرار نداده است، بلکه ولایت و عزت را برای اسلام و اهل ایمان بر همه ملت ها و مکتب ها قرار داده است. سیره انبیاء و اولیای دین چنین بوده است که در برابر هر قانون، سیاست و حرکتی که از آن بوی سلطه کفار بر مسلمانان و زیر پا رفتن شرافت و استقلال و عزت مسلمانان به مشام می رسیده،

بازخوانی مبانی فقهی حرمت و ممنوعیت تولید و استفاده از سلاح های هسته ای — ۲۲۰

عکس العمل نشان داده اند. این آیه نیز بر جواز دست یافتن به جایگاه علمی برای تولید سلاح هسته ای دلالت دارد و دلالت آن بر این امر از نوع التزامی است؛ یعنی لازمه رسیدن به عزت و برتری در دنیای کنونی، بهره مندی از توان هسته ای می باشد. عزت به معنای غالب و چیره بودن است و نقطه مقابل مغلوب و شکسته خورده می باشد؛ لازمه شکست ناپذیری، دسترسی به سلاح و ابزار است که بتوان به وسیله آن این هدف را تأمین نمود؛ سلاحی که بتوان به کمک آن توان دفاع و مقابله را پیدا کرده و خیال حمله و تجاوز را از ذهن دشمنان خارج کند؛ سلاحی که با وجود آن دشمن به خود اجازه هیچگونه تعدی را ندهد؛ سلاحی که برترین سلاح و مطابق با آخرین پیشرفت های بشری باشد و این نیست جز سلاح هسته ای؛ بنابراین از این آیه هم امکان اثبات جواز تولید این نوع از سلاح ها وجود دارد.

البته کلیه آیاتی که بر جواز مقابله به مثل دلالت دارد مانند آیه مبارکه «فمن اعتدی علیکم فاعتدوا علیه بمثل ما اعتدی علیکم» (بقره: ۱۹۴) نیز می تواند مورد طرح قرار گیرد، ولی چون استدلال به چنین آیاتی دور از بحث مورد نظر است، از طرح آن اجتناب گردید، چراکه استدلال به چنین آیاتی برای اثبات حکم به جواز استفاده سلاح های هسته ای، قابل طرح است و این که در مقام مقابله به مثل، چه رفتارهایی مجاز است، در حالی که بحث حاضر، مربوط به جواز یا عدم جواز ساخت بوده و نباید این دو مبحث را با یکدیگر خلط نمود.

۲-۴- دلایل روایی

دسته دوم از دلایلی که بر جواز دلالت دارد، روایات است که در زیر به اهم آن اشاره می شود:

از جمله روایات، حدیث نبوی مشهور است که: «الاسلام یعلو و لأیعلی علیه» (حرّ عاملی، ۱۴۱۴: ۱۴/۲۶)؛ این روایت که بر برتری مطلق اسلام دلالت دارد، از چنان

شهرتی برخوردار است که از دیدگاه فقها، موجب بی‌نیازی از هر گونه بحث و بررسی در مورد سند آن می‌شود (حسینی مراغی، ۱۴۱۷: ۳۵۳/۲).

روایت فوق‌تر تنها دلالت دارد بر این که کفر بر اسلام برتری ندارد، بلکه دلالت دارد بر این که حتی با آن برابری هم ندارد. علوّ و برتری در این روایت، به معنای سلطه و استیلاست و مقصود از آن، اثبات علوّ مسلمانان بر پیروان سایر مکاتب است. روشن است که هجوم دشمنان به سرزمین‌های اسلامی به تسلط آنان بر شؤون مختلف زندگی ایشان می‌انجامد؛ چه این که تسلیم در برابر هجومشان، عزّت و شرافت و برتری مسلمانان را خدشه دار می‌نماید؛ به منظور جلوگیری از تسلط دشمن لازم است تا از امکانات دفاعی به صورت کامل برخوردار شده و تنها در این صورت است که می‌توان از هجومی که به سلطه کافران می‌انجامد، جلوگیری نمود.

امکانات دفاعی باید به روز و هماهنگ با آخرین پیشرفت‌ها باشد تا بتوان با استفاده از آن، در مقابل دشمنی که برخوردار از آخرین تجهیزات نظامی است، مقابله و ایستادگی نمود. سلاح هسته‌ای بهترین و ایمن‌ترین شرایط را برای دفاع و مقابله فراهم ساخته و دسترسی به آن شرایط را برای حفظ علوّ و برتری اهل اسلام فراهم می‌نماید؛ علوّ و برتری‌ای که نبی مکرم اسلام (ص) در این حدیث شریف مطرح ساخته و جواز دستیابی به چنین سلاحی، لازمه عمل و اجرای این کلام نبوی (ص) است؛ چراکه از یک سو، کشور‌های اسلامی به ویژه جمهوری اسلامی ایران در نقطه‌ای از کره زمین قرار دارند که از منابع طبیعی سرشار برخوردارند؛ منابع طبیعی‌ای که همواره موجب تحریک طمع‌ورزان می‌شود و از سوی دیگر، دشمنان اسلام دارای طمع و زیاده‌طلبی کامل بوده و هر لحظه به دنبال چپاول و غارتگری می‌باشند و از اینرو در کتاب‌های فقهی (حلی، ۱۳۷۲: ۶۸/۹) روایتی مورد استناد قرار گرفته که از امام صادق (ع) در پاسخ به این سؤال که آیا رها کردن آب در میان دشمنان و انداختن آتش به سوی آنها به وسیله منجیق و وسائلی مانند آن، با وجودی که زنان، کودکان و سالخورده‌گان قرار دارند، جایز است یا خیر؟ فرمودند که این اعمال جایز بوده و نباید

بازخوانی مبانی فقهی حرمت و ممنوعیت تولید و استفاده از سلاح های هسته ای — ۲۲۲

به خاطر حضور چنین افرادی، دست از مقابله کشید (حرّ عاملی، ۱۴۱۴: ۵۹/۱۵؛ کلینی، ۱۳۶۵: ۲۹/۵ و ۳۱). بر اساس این روایت، فقیهان بر عدم لزوم پرداخت دیه حکم نموده اند.

بنابراین اگر حفظ برتری اسلام، مطلوب شارع مقدّس اسلام است، چنان که از حدیث شریف «الاسلام یعلو و لایعلی علیه» و دلایل متعدّد دیگر قابل استفاده می باشد، لازمه عمل به چنین دستوری و تأمین چنین مطلوبی، این است که وضعیّت دفاعی به گونه ای فراهم شود که دشمنان حریص، طمع ورز و تجاوزگر، هیچگاه خیال خام حمله و سلطه را در سر نپرورانند.

پاسخ به دلایل فوق در ارزیابی هایی که در بیان دیدگاه برگزیده از نظر خواهد گذشت، می آید و از اینرو به دلیل رعایت پرهیز از تکرار، ارزیابی دلایل فوق به آن قسمت مزبور موکول شده و از بیان آن در اینجا اجتناب می گردد.

۵- دلایل حرمت و ممنوعیت تولید و استفاده

برای اثبات حرمت و ممنوعیت تولید و استفاده از سلاح های هسته ای نیز می توان به دلایل متعدّد قرآنی و روایی استناد جست که ذیلاً مهم ترین آنها از نظر می گذرد:

۵-۱- دلایل قرآنی

آیات متعدّدی از قرآن کریم را می توان به عنوان مستند حرمت و ممنوعیت قرار داد که اهمّ آن به قرار زیر است:

آیه اول: خداوند در آیه ۲۵ سوره یونس می فرماید: «وَاللّٰهُ يَدْعُوا اِلٰى دَارِ السَّلَامِ: و خداوند (انسان ها را) به سوی دار سلامت و امنیّت فرا می خواند.»

از این آیه مبارکه استفاده می شود که اسلام دین صلح، سلامتی و امنیّت است؛ از آیاتی اینچنین که نظایر آن متعدّد می باشد، می توان به این نتیجه رسید که هر کاری که با امنیّت و سلامتی عمومی در تنافی است، نمی تواند از اسلام باشد؛ دینی که حامل

پیام صلح و امنیت است نمی تواند صادر کننده مجوز تولید و استفاده از سلاحی باشد که به عنوان بارزترین مصداق سلاح کشتار جمعی و امنیت زدا در همه جا شناخته شده و معروف است؛ پس از این سنخ از آیات مبارکه قرآن کریم که تعداد آن فراوان است و برای بشریت آورنده پیغام صلح و دوستی است، می توان به این نتیجه رسید که از منظر اسلام، تولید و استفاده از سلاح های هسته ای ممنوع و حرام می باشد.

آیه دوم: دومین آیه، آیه ۵۵ سوره نور است: «وَلْيَبْدُوا لَهُمْ مِنْ بَعْدِ خَوْفِهِمْ أَمْنًا: و

پس از ترسشان امنیت روزیشان فرماید.»

در آیه فوق که خطاب به همه مسلمانان، اعم از مؤمن و غیر مؤمن است، ولی در آن به مؤمنان وعده داده شده که به زودی جامعه صالح برای ایشان خواهد بود و این وعده که بر روی زمین تمکن و اختیار خواهند داشت و جانشینی الهی به ایشان داده خواهد شد؛ دینشان یعنی اسلام را بر روی زمین برقرار ساخته و امنیت را جایگزین ترسشان می نماید.

از آیه فوق معلوم می گردد که از دیدگاه اسلام، امنیت بالاترین نویدی است که به جامعه ای که در مسیر ایمان و عمل صالح قرار دارد، داده می شود و نیز بالاترین سطح ارتقاء و پیشرفت بشر است؛ تأمین امنیت عمومی برای همه مردم، خواه مسلمان یا غیر مسلمان، از وظایف اولیه همه حکومت هاست و چنان چه برای یکی از شهروندان حکومت اسلامی حتی اگر از یهودیان یا مسیحیان باشد، به نحوی ناامنی ایجاد شود، بالاترین مقام حکومت اسلامی که شخص دوم عالم خلقت است، آنقدر ناراحت و اندوهگین می شود که می فرماید اگر من علی یا هر انسان آزاده ای دیگر از این خبر آگاهی پیدا کند و از تأسف جان دهد، جا دارد (نهج البلاغه: نامه ۴۷).

دینی که تا این اندازه به امنیت عمومی اهمیت می دهد چگونه می تواند مجوز برای تولید سلاحی صادر نماید که مهم ترین عامل سلب امنیت در دنیای امروز محسوب می شود؟ سلاحی که وجود آن با احساس ناامنی همراه است و امری جدا ناپذیر از آن قلمداد می شود؛ چگونه می توان پذیرفت که دینی که از سوی خداوند

بازخوانی مبانی فقهی حرمت و ممنوعیت تولید و استفاده از سلاح های هسته ای — ۲۲۴

حکیم تشریح شده، حاوی دو امر متضاد باشد؛ از یک سو، مجوز برای تولید سلاحی را فراهم کند که با وجود آن هیچ جایی برای احساس امنیت وجود نداشته باشد و از سوی دیگر، امنیت را مورد توجه قرار دهد و آن را جزو بزرگترین نوید های خود به جامعه اهل ایمان به شمار آورد؟

آیه سوم: سومین آیه از این قرار است: «و لایجرمنکم شأن قوم علی آلا تعدلوا عدلوا هو اقرب للتقوی: دشمنی با جمعیتی شما را به گناه و ترک عدالت نکشاند، عدالت کنید که به پرهیزکاری نزدیک تر است» (مائده: ۸).

از این آیه مبارکه نیز حرام بودن تولید و استفاده از سلاح های هسته ای قابل استفاده است؛ چراکه تولید این نوع سلاح ها موجب می شود که در دل انسان های بی گناه ترس و احساس ناامنی به وجود آید و به طور مسلم، ایجاد ترس در دل افراد بی گناه عین بی عدالتی و ظلم است و نیز به طریق اولی استفاده از چنین سلاح هایی موجب کشتار و از بین رفتن انسان های بی گناه می گردد و ظلم و ناعادلانه بودن این عمل هم روشن و عیان است و این در حالی است که آیه فوق، مسلمانان را از هر رفتار ظالمانه و غیر عادلانه بر حذر می دارد؛ پس این آیه هم در کنار آیات متعدد قرآن کریم، دلالت بر حرمت و ممنوعیت تولید و استفاده از سلاح های هسته ای می نماید.

۲-۵- دلایل روایی

روایات متعددی دلالت دارد بر این که استفاده از سلاح های کشتار جمعی که هسته ای بخشی از آن را تشکیل می دهد ممنوع بوده و نباید از چنین سلاح هایی حتی در جنگ استفاده نمود؛ مانند روایت نبوی(ص) که بر نهی پیامبر(ص) از بکارگیری سم در مقابله با مشرکین دلالت دارد: «نهی رسول الله (ص) أن یلقى السم فی بلاد المشرکین» (کلینی، ۱۳۶۵: ۲۸/۵؛ نوری، ۱۴۱۵: ۴۳/۱۱؛ کوفی، بی تا: ۸۱)؛ نکته ای که در اینجا شایان توجه است این که هر چند برخی فقیهان قاعده ای را به عنوان «کَلْمَا یرجی به الفتح» را مطرح نموده (نجفی، ۱۳۹۲: ۶۵/۲۱) و آن را از آیاتی نظیر «و اعدوا

لهم ما استطعتم من قوه» استفاده نموده اند (همان) و شاید از عموم چنین قاعده ای حکم به جواز القاء سم استفاده شود ولی عمل مزبور به حکم روایت فوق الذکر جایز نبوده، چنان که صاحب جواهر، قائلین حکم به حرمت عمل مزبور را فقیهانی می داند که کتاب های ایشان زبازد خاص و عام است، مانند «کما فی النهایه و الغنیه و السرائر و النافع و التبصره و الارشاد و الدروس و جامع المقاصد» (نجفی، ۱۳۹۲: ۶۷/۲۱).

دلیل روایی دیگر این که در سیره پیامبر مکرم اسلام (ص) در جریان فتح مکه نقل گردیده که حضرتش به همه لشکریان دستور داد که هرگز کسی که با آنان نمی جنگد را به قتل نرسانند: «و أمرهم رسول الله (ص) جميعاً أن یکفوا أیدیهم و لایقاتلوا إلا من قاتلهم» (مشهدی قمی، ۱۳۶۸: ۵۸۵/۱۱؛ عروسی حویزی، ۱۴۱۵: ۶۹۵/۵؛ مجلسی، ۱۴۰۴: ۲۱/۱۰۵). و یا این روایت از امیرمؤمنان علی (ع) که در هنگام اعزام لشکر برای جنگ صفین، خطاب به یکی از فرماندهان لشکرش به نام معقل بن قیس فرمودند: «لا تُقاتل إلا من قاتلک» (ابن مزاحم، ۱۳۸۲: ۱۴۸) یعنی جز با آن که با تو می جنگد، جنگ مکن.

روایات فوق در کنار روایات متعددی که بر لزوم تفکیک میان نظامیان و غیر نظامیان و نیز لزوم تفکیک میان اهداف نظامی و غیر نظامی دلالت دارد - مانند این روایت: عن الصادق (ع) ان رسول الله (ص) نهی عن قتال النساء و الولدان فی دار الحرب» (کلینی، ۱۳۶۵: ۲۸/۵؛ شیخ طوسی، ۱۳۶۵: ۱۵۶/۶) - دلایل روایی ای می باشد که می توان ز آن حکم حرمت و ممنوعیت تولید و استفاده از سلاح های هسته ای را نتیجه گرفت، چراکه از این روایات معلوم می شود که در جنگ و جهاد، باید میان نظامیان و غیر نظامیان تفکیک قائل شد و این در حالی است که در بکارگیری سلاح های هسته ای، چنین تفکیکی امکان پذیر نمی باشد.

به علاوه این که قواعدی نظیر قاعده وزرکه از عناصر جوهری مجازات در اسلام است و همه فقیهان آن را پذیرفته و مسلم انگاشته اند ولی در غرب، بعد از انقلاب کبیر فرانسه به درک آن نائل آمدند (محقق داماد، ۱۴۰۶: ۱۵۵/۴) نیز دلالت دارد بر این که

غیر نظامیان نباید متحمل مجازاتی شوند که نظامیان تنها استحقاق آن را دارند و با توجه به اصل شخصی بودن مجازات که از قاعده مزبور استفاده می شود، نباید حکم به جواز ساخت سلاحی را داد که تر و خشک را با هم می سوزاند و نیز با توجه به وسعت تخریبی که سلاح های مورد بحث ایجاد می نماید، حکم حرام بودن آن از آیات متعدد قرآنی که بر منع فساد فی الارض دلالت دارد، قابل استفاده است و همین طور با توجه به مورد کشتار واقع شدن افراد بی گناه و بی دفاع توسط این نوع از سلاح ها، حرمت بکارگیری آن از دلایل متعدد قرآنی، روایی و عقلی که بر حرمت ظلم و تعدی و حتی کمک در راه ظالمانه دلالت دارد، می توان به این نتیجه رسید.

۶- ارزیابی و بیان نظریه مختار

حال که دلایل طرفین بحث در مسأله حکم تولید و استفاده از سلاح های هسته ای مشخص گردید، باید دید میان دو دیدگاه مطرح شده، کدام یک از قوت استناد و صحت استدلال برخوردار است؟ پاسخ این که نظریه صحیح، حرمت تولید و ممنوعیت استفاده از این نوع سلاح ها می باشد؛ چرا که اسلام اگرچه دستور به جهاد و مقابله با تجاوز را صادر نموده ولی این حکم بسان همه احکام، محدود و مقید به قیودی است؛ تقیید به قیود از قرآن کریم و روایات اهل بیت (ع) کاملاً و به صورت واضح قابل استفاده است؛ از قیودی که از منابع قرآنی و روایی مشخص می شود، معلوم می گردد که تولید و استفاده از چنین سلاحی مجاز نیست.

از جمله آیاتی که بر تقیید دلالت داشته و مشخص می کند که بکارگیری، در کنار ساخت این نوع سلاح ها ممنوع است این آیه مبارکه است: «و قاتلوا فی سبیل الله الذین یقاتلونکم و لاتعتدوا إنّ الله لایحبّ المعتدین» (بقره: ۱۹۰)؛ این آیه شریفه بیان کننده دو دسته قید است: اول این که با کسانی باید به جنگ و مقابله پرداخت که اقدام به جنگ و قتال نموده اند؛ و دوم این که در کار جنگ و جهاد باید جانب عدالت را

رعایت نمود و در این کار محدودیت‌ها را زیر پا نگذاشت و از تجاوزگری پرهیز نمود.

اگر در قرآن کریم آمده است که باید در مقابله با دشمنان از تمام توان استفاده نمود و توان نظامی را بالا برد، غایت اینگونه بیان شده که «تُرْهَبُونَ بِعَدُوِّ اللَّهِ وَ عَدُوِّكُمْ»؛ معنای این قسمت از آیه مبارکه این است که هدف و غایت از بالا بردن توان نظامی، ترساندن دشمنان است، نه ترساندن افراد غیر نظامی مخصوصاً زنان، کودکان و سالخوردهگان؛ و این در حالی است که از ساخت سلاح‌های هسته‌ای تا نسل‌های متعدّد، آسیب می‌بینند؛ با مبنای صلح طلبی دین مقدّس اسلام، چگونه می‌توان اجازه ساخت سلاحی را داد که از تولید آن تنها ترس در دل نظامیان نمی‌افتد بلکه عموم مردم از تولید آن در هراس خواهند افتاد و استفاده آن نیز موجب از بین رفتن نسلی می‌شود و تا نسل‌ها از آسایش در امان نخواهند بود.

از روایاتی هم که در ضمن دلایل حرمت و ممنوعیت تولید و استفاده از نظر گذشت نیز معلوم می‌شود که مراد جدی از جواز ترساندن و به قتل رساندن، نظامیان و کسانی است که اقدام به جنگ می‌نمایند و با کثرت روایات دالّ بر حرمت، اگر هم فرض شود مطلقاً مبنی بر اصل جواز وجود داشته باشد، تقیید خواهد خورد.

پس اولاً، مطلقاً مبنی بر جواز ترساندن وجود ندارد و دلایلی مانند آیه شریفه اعداد (و اَعِدُّوا لَهُمْ مَا اسْتَطَعْتُمْ مِنْ قُوَّةٍ) از ابتدا مقید به جواز یا لزوم ترساندن تنها دشمنان است، نه نسل‌های متعدّد بعدی و یا بسیاری از ساکنین و شهروندان فعلی که هیچ حالت دشمنی در ایشان نیست و ثانیاً، بر فرض هم چنین اطلاقی وجود داشته باشد، با توجه به مقیّدات متعدّد، تنها جواز ترساندن و از بین بردن دشمنان و افرادی که سر جنگ و مقابله را دارند، ثابت می‌شود.

امروزه تولید این نوع سلاح‌ها مصداق بارز ظلم و ستم است؛ با مسلّم بودن قبح ظلم، به عنوان حکم قطعی و تردید ناپذیر عقلی، اگر هم دلیلی نقلی مبنی بر جواز وجود داشته باشد، تولید و استفاده این نوع سلاح‌ها، به حکم این مخصّص قطعی

عقلی، غیر مجاز خواهد بود. دلیل عقلی مسلم، بسان مخصّص متّصل عمل می کند؛ چراکه چنین دلیلی مانند دلیل نقلی متّصل، از دلیل عامّ یا مطلق جدایی ناپذیر است و وقتی مخصّص متّصل وجود داشت، از اول برای دلیل موردنظر، اطلاقی منعقد نمی - شود و اگر هم دلیل خاصی مبنی بر جواز وجود داشته باشد، با وجود دلیل مسلم عقلی از اعتبار ساقط خواهد بود.

بنابراین، از توضیحات بالا معلوم می شود که دلایل مجوّز جهاد مقید بوده و از چنان اطلاقی برخوردار نیست که هر نوع رفتاری به خاطر شرایط خاصّ جنگی مجاز باشد و تفاوت دیدگاه شرع با دیدگاه های بیرون از دایره شرع در همین است؛ در دایره شرع، هر عملی دارای محدوده بوده و برای همه کارها مرز مشخص قرار داده شده است چنان که در قرآن کریم از «تکالیف» به «حدود» تعبیر شده است (تلك حدود الله). حدّ به معنای مرز است و معنای آن این است که شارع مقدّس برای همه کارها مرز قرار داده و از جمله کارها، جنگ است که در کتب فقهی در قالب کتاب الجهاد، بابتی را به خود اختصاص داده و معنای آن این است که از منظر شریعت اسلام، جنگ به هر شکل و با هر رفتاری مجاز نبوده و هدف صرفاً به پیروزی رسیدن نیست، بلکه هدف، تأمین نظر شارع مقدّس است و سیره عملی پیامبر (ص) و ائمه (ع) در رعایت محدودیت هایی که در جنگ ها می نمودند کاملاً بر این مطلب دلالت دارد.

نتیجه گیری

بر اساس موازین فقهی، حرمت و ممنوعیت تولید و استفاده از سلاح های هسته ای امری مسلم و غیر قابل تردید است؛ چراکه دلایلی که بر اساس آن حکم به جواز جهاد و مقابله ثابت می شود، مخصوص به جنگجویان و کسانی است که در صف مقابله با مسلمانان قرار می گیرند، نه دیگران که مرتکب چنین رفتاری نمی شوند؛ و با فرض وجود دلایل مطلق، دلایل مسلم قرآنی و روایی موجب تقیید آن می گردد؛ افزون بر

این که تولید سلاح های مزبور، موجب ترس و استفاده از آن باعث از بین رفتن کسان می شود که ظلم محض بوده و با وجود درک مسلم عقل نسبت به قبح ظلم، هر دلیل مطلقى تقیید خورده و محدوده دلالت آن ضیق خواهد شد.

با وجود درک مشترک جهانی و باور تردید ناپذیر عموم مردم دنیا مبنی بر ظلم بودن تولید و استفاده از سلاح های هسته ای، نمی توان جایز بودن چنین اعمالی را به دینی نسبت داد که فریاد عدالت خواهی و ظلم ستیزی آن همیشه بلند بوده و هست؛ دادن چنین نسبت ناروایی، تنها موجب خدشه دار ساختن چهره حقیقی و موجب گریز عمومی از دین خواهد شد.

منابع

- قرآن کریم.

- نهج البلاغه.

- ابن ادریس حلی، محمد بن احمد (۱۴۱۱ق)، السرائر الحاوی لتحریر الفتاوی، ج ۲، قم: مؤسسه النشر الاسلامی.

- ابن مزاحم المنقری، نصر (۱۳۸۲)، وقعه صفین، قم: بصیرتی.

- احسانی فر، احمد (۱۳۹۴)، مبانی فقهی ممنوعیت تولید و انباشت سلاح هسته ای، دین و قانون، ۱۰، ۱۸۸-۲۲۵.

- حرّ عاملی، محمد بن حسن (۱۴۱۴ق)، تفصیل وسائل الشیعه الی تحصیل مسائل الشریعه، قم: مؤسسه آل البيت(ع).

- حسینی مراغی، سید میر عبدالفتاح (۱۴۱۷ق)، العناوین، ج ۲، قم: مؤسسه النشر الاسلامی.

- حکمت نیا، محمود (۱۳۹۲)، سلاح های کشتار جمعی و مبانی فقهی و حقوقی ممنوعیت

استفاده از آنها، حقوق اسلامی، ۳۸، ۵۳-۸۷.

- حلی(علامه)، حسن بن یوسف (۱۳۷۲)، تذکره الفقهاء، ج ۹، قم: مؤسسه آل البيت(ع).

- حلی(علامه)، حسن بن یوسف (۱۴۱۰ق)، ارشاد الاذهان الی احکام الایمان، ج ۲، قم: مؤسسه النشر الاسلامی.

- روزنامه کیهان، مورخ ۱۳۸۳/۴/۱.

- بازخوانی مبانی فقهی حرمت و ممنوعیت تولید و استفاده از سلاح های هسته ای — ۲۳۰
- سلیمی ترکمانی، حجّت (۱۳۹۱)، جرم انگاری کاربرد سلاح های هسته ای در چارچوب حقوق بین الملل بشر محور در حال ظهور، پژوهش حقوق کیفری، ۱، ۶۱-۹۶.
- شولزینگر، رابرت (۱۳۹۰)، دیپلماسی آمریکا در قرن بیستم، تهران: وزارت امور خارجه.
- طباطبائی (صاحب ریاض)، سید علی (۱۴۱۲ق)، ریاض المسائل فی بیان الاحکام بالدلائل، ج ۷، قم: مؤسسه النشر الاسلامی.
- طوسی (شیخ الطائفه)، محمد بن حسن (۱۳۶۵)، تهذیب الاحکام، ج ۶، تهران: دار الکتب الاسلامیه.
- طوسی (شیخ الطائفه)، محمد بن حسن (۱۳۹۰ق)، النهایه فی مجرد الفقه و الفتاوی، ج ۲، بیروت: دار الکتب العربی.
- طوسی (شیخ الطائفه)، محمد بن حسن (۱۴۰۷ق)، الخلاف، ج ۵، قم: مؤسسه النشر الاسلامی.
- عروسی حویزی، عبد علی (۱۴۱۵ق)، تفسیر نور الثقلین، قم: اسماعیلیان.
- قرطبی، محمد بن احمد (۱۴۱۴ق)، الجامع لاحکام القرآن، ج ۱، بیروت: دار الفکر.
- کاشانی، حیدر (۱۳۶۸)، جنگ یا فرمان های نظامی در اسلام، قم: دفتر انتشارات اسلامی.
- کلینی، محمد بن یعقوب (۱۳۶۵)، فروع کافی، ج ۵، تهران: دار الکتب الاسلامیه.
- کوفی، محمد بن اشعث (بی تا)، الجعفریات (الاشعثیات)، تهران: مکتبه نینوی الحدیثه.
- لطفیان، سعیده (۱۳۷۶)، نظریه های مختلف تداول تسلیحات اتمی: بازدارندگی باج-گیری هسته ای و جنگ اتمی، مجله دانشکده حقوق و علوم سیاسی، ۱۰۵۸، ۱۶۷-۱۹۷.
- لوح فشرده پرسمان، اداره مشاوره نهاد رهبری، کد: ۱۰۱۲۷۸۴۳/۱.
- مجلسی (علامه)، محمدباقر (۱۴۰۴ق)، بحار الانوار الجامعه لدرر أخبار الائمة الأطهار، ج ۱۰۵، بیروت: دار احیاء التراث العربی.
- محقق داماد، سید مصطفی (۱۴۰۶ق)، قواعد فقه، ج ۱۲، تهران: مرکز نشر علوم اسلامی.
- مدرّسی، محمدتقی (۱۴۱۹ق)، تفسیر من هدی القرآن، ج ۹، تهران: دار محیی الحسین.
- مشهدی قمی، محمد (۱۳۶۸)، تفسیر کنز الدقائق، ج ۱۱، تهران: وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی.
- نجفی (صاحب جواهر)، محمدحسن (۱۳۹۲ق)، جواهر الکلام فی شرح شرائع الاسلام، ج ۲۱ و ۲۲، تهران: دار الکتب الاسلامیه.
- نوری، میرزا حسین (۱۴۱۵ق)، مستدرک الوسائل و مستنبط المسائل، ج ۱۱، قم: آل البیت (ع).

۲۳۱ ————— مطالعات فقه و حقوق اسلامی - سال ۱۲ - شماره ۲۲ - بهار و تابستان ۹۹

- ورعی، جواد (۱۳۸۲)، مبانی فقهی دفاع از سرزمین های اسلامی، حکومت اسلامی، ۲۸، ۴۲-۷۱.

سایت های اینترنتی:

<http://www.hupaa.com/> شبکه فیزیک هوپا-

[-newcoy.persianblog.ir](http://newcoy.persianblog.ir)





پروشکاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی